

۲۰۴۱۲۳

اودیسه

نویسنده: هومر

ترجمه: سعید نفیسی

www.ketab.ir

سرشناسه	: هومر، قرن ۹ ق. م.
عنوان و نام پدیدآور:	اودیسه / نویسنده هومر؛ ترجمه سعید نفیسی.
مشخصات نشر:	تهران: ذهن روشن، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری:	۴۰۶ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۷۶-۱۲-۴
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا.
یادداشت	: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.
یادداشت	: کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران مختلف در سال‌های متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: شعر حماسی یونانی -- ترجمه شده به فارسی
موضوع	: اودیسه (اساطیر یونانی)
موضوع	: افسانه‌ها و قصه‌های یونانی
زبانسه افزوده	: نفیسی، سعید، ۱۲۷۴-۱۳۴۵، مترجم
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ت PA۴۰۳۲
رده‌بندی دیویی	: ۸۸۳/۰۱
شماره کتابشناسی ملی:	۵۲۰۹۳۸۶

اودیسه

هومر

ترجمه: سعید نفیسی

ناشر: انتشارات آرداندیش

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۸۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۷۶-۱۲-۴

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

تهران: میدان انقلاب، خیابان دانشگاه، کوچه رستمی، پلاک ۳۰

تلفن: ۶۶۴۸ ۹۰۳۷

فهرست

۵		مقدمه مترجم
۷		سرود نخستین
۲۱		سرود دوم
۳۵		سرود سوم
۵۱		سرود چهارم
۷۷		سرود پنجم
۹۳		سرود ششم
۱۰۳		سرود هفتم
۱۱۵		سرود هشتم
۱۳۵		سرود نهم
۱۵۳		سرود دهم
۱۷۱		سرود یازدهم
۱۹۱		سرود دوازدهم
۲۰۵		سرود سیزدهم
۲۱۹		سرود چهاردهم
۲۳۷		سرود پانزدهم
۲۵۵		سرود شانزدهم
۲۷۱		سرود هفدهم
۲۹۱		سرود هجدهم
۳۰۵		سرود نوزدهم
۳۲۵		سرود بیستم
۳۳۹		سرود بیست و یکم
۳۵۳		سرود بیست و دوم
۳۶۹		سرود بیست و سوم
۳۸۳		سرود بیست و چهارم
۴۰۱		فهرست اعلام

مقدمه مترجم

دربارهٔ هومر و دو منظومهٔ جهانگیر وی، ایللیاد و اودیسه آنچه می‌بایست در دیباچهٔ ایللیاد که بنگاه ترجمه و نشر کتاب در ۱۳۴۹ انتشار داده آمده است. خوانندگان می‌توانند بدان دیباچه که مقدمهٔ این کتاب نیز تواند بود رجوع کنند. در صحایف ۹ تا ۱۰ و ۱۱ تا ۲۵ آن دیباچه بحثی دربارهٔ اودیسه هست و سپس تا صفحهٔ ۳۳ مختصری دربارهٔ اساطیر یونان آورده‌ام که آگاهی از آن برای فهم بسیاری از مطالب و اشارات اودیسه ضرور است.

چون در اروپا برخی این عقیده نادرست را به میان آورده‌اند که اودیسه از هومر نیست و ایللیاد و اودیسه را یک متن در روده است، در دیباچهٔ ترجمهٔ ایللیاد دلایلی چند آورده‌ام که این عقیدهٔ ناروا را باطل می‌کند. بهترین گواه برین که اودیسه نیز از طبع همان سرایندهٔ ایللیاد یعنی هومر شاعر بزرگ یونانی تراویده است اشاراتیست که در متن اودیسه نسبت به پهلوانانی که ذکرشان در ایللیاد رفته است هست. مخصوصاً سرود سوم و سرود یازدهم و سرود پانزدهم و سرود بیست و چهارم اودیسه انباشته از ذکر پهلوانانیست که در ایللیاد دربارهٔ ایشان مثل ترسخن رانده شده و این خود می‌رساند که سرایندهٔ اودیسه همان کسیست که ذکر ایشان را در ایللیاد آورده است. در پایان این ترجمه فهرستی به ترتیب حروف هجای فارسی از نامهای خاص که در این کتاب هست با معادل آنها به خط لاتین جا داده‌ام. چون بسیاری از کسانی که نامشان در اودیسه آمده در ایللیاد نیز مطالبی دربارهٔ ایشان هست و تکرار آنها در فهرست اودیسه زاید بود، پژوهندگان می‌توانند به فهرستی که در پایان ترجمهٔ ایللیاد آمده است، رجوع کنند.

راهنمای من در ترجمه اودیسه، چندین ترجمه اروپائی بوده و چون ترجمه‌ای که مدریک دوفور Médéric Dufour و خانم ژان رزون Jeanne Raison به زبان فرانسه کرده‌اند، معتبرتر و تازه‌ترست بیشتر آن را اساس قرار داده و در موارد مشکوک به ترجمه‌های دیگر نیز رجوع کرده‌ام. زبانی که در ترجمه اودیسه اختیار کرده‌ام ناچار می‌بایست مطابق قدیم‌ترین اسلوب نثر فارسی باشد تا با زبان هومر که زبان کهنه‌ایست تا اندازه‌ای برابری بکند. منتهی در ترجمه ایلید که منظومه حماسیست زبان حماسه‌های فارسی را به کار برده و در ترجمه اودیسه که جنبه شاعرانه آن بیشترست به زبان غزل که با اصل برابر تواند بود نزدیک‌تر شده‌ام. ایلید و اودیسه لازم و ملزوم یکدیگرند و پس از ترجمه ایلید می‌بایست قهراً به ترجمه اودیسه هم پردازم.

طهران ۲۲ بهمن ماه ۱۳۲۷

سعید نفیسی

سرود نخستین

خلاصه سرود

«در غیاب پدربیدون، خدای دریاها، که اولیس قهرمان دلاور و چاره‌اندیش جنگ بر او را در بازگشت به موطن خود آواره ساخته است، خدایان انجمنی، با سی‌کبد و به درخواست آتنه دختر زئوس که هوادار و پشتیبان اولیس است، به بازگشت وی مصمم می‌شوند. سپس آتنه خداوند خرد و تدبیر به سموت سنتی یکی از دوستان اولیس بر فرزند وی تلماک ظاهر می‌شود و وی را دلیر می‌کند که در جستجوی پدر برآید و برای آگاه شدن از حال پدر سفر کند و هم در برابر گروه امیران و توانگرانی که دوری اولیس را غنیمت شمرده، به خواستگاری زن زیبا و باوفای وی در کاخ وی گرد آمده‌اند و ثروت وی را تباه می‌کنند. پایداری کند.»

ای الهه شعر، درباره دلاوری که هزار چاره‌گری داشت و برین حیل‌های وی ارگ متبرک تروآد^۱ را از پای افگند آن‌همه سرگردانی کشید، شهرها را دید و به آداب و رسوم آن‌همه مردم پی برد، با من سخن‌گوی! چون برای رهایی جان خویشان و بازگشت همراهانش کشمکش می‌کرد چسان دل وی آزرده شد! اما با آنکه دلخواه وی بود نتوانست ایشان را برهاند: آن نایخردان که گاوان هلیوس^۲ بلبلنچایه را در

شکم فرو بردند، کورکورانه به کام مرگ رفتند. وی ایشان را از بازگشت بازداشت. ای الهه زاده هوس، از هر جا که می خواهی این سرگذشتها را برای ما نیز بسرای. در آن هنگام همه کسانی که از مرگ نابهنگام رسته بودند، از جنگ و دریا رهایی یافته و در سرای خود بودند. تنها اولیس خواستار بازگشت خویش و دیدار زن خویشتن بود. فرشته ای دریایی، کالیپسو، الهه ای بلندپایه، وی را در غارهای ژرف خود نگاه می داشت و درین آرزو می سوخت که همسر وی شود. اما چون گردش چرخ زمانه به سالم رسید که خدایان بازگشت او را به کانون خانواده در ایتاک مقدر کرده بودند، آنگاه هم در میان خویشاوندش هنوز رنج های او به پایان نرسیده بود. خدایان را دل بر او می سوخت، همه به جز پوزئیدون که کینه فرونانشستنی اش اولیس آسمانی نژاد را تا بازگشت به کشورش دنبال می کرد.

بدین گونه آن خدای سرزمین دوردستی رفته بود، به سرزمین مردم اتیوپی^۱ که در آن سوی جهان دو تیره سده اند،^۲ برخی در باخترند و برخی در خاور هیپریون^۳ و بدانجا رفته بود تا برایش صد گاو و برقیانی^۴ کنند و از در نشستن در بز می شادکام بود. درین میان خدایان دیگر در سرای الهه پمپ نشین انجمنی آراسته بودند. نخست پدر مردم و خدایان لب به سخن نشود. با اژیست^۵ پاکزاد که اورست^۶ ناماور پسر آگاممنون او را کشته بود، در دلش جای داشت. با همین اندیشه که در سر داشت به آن خدایان گفت: «آه! راستی چه نکوهشهایی که دمی زادگان به خدایان نمی کنند! و اگر سخنانشان را بشنویم دردهای ایشان از چیست؟ اما از بی خردی ایشانست که بیش از آنچه سرنوشت خواستار آن بود آزار بردند. بشر این با آنکه سرنوشت روا نمی داشت، اژیست زن مشروع پسر آتره را همسر خرد کرد و در بازگشت وی را کشت؛ با این همه می دانست چه مرگ هراس انگیزی در کمین اوست: زیرا که ما وی را آگاه کرده بودیم؛ هر مس آرژیفونت^۷ کمین دار دلاور را نزدش فرستاده بودیم تا او را از آن باز داریم که شوی را بکشد و زن را به همسری بگیرد، زیرا اورست هنگامی که جوانیش فرا رسد و در آرزوی سرزمین خود باشد، کین پسر